

# مدافع نواب صفوی در مشهد

خوا سلیمانی موشکی

در یکی از آبادی های اطراف قزوین دیده به جهان گشود. مقدمات، ادبیات و قسمتی از سطح را در این شهرستان و تهران فراگرفت و عازم نجف شد، پس از بهره‌وری از محضر اساتید آنجا به مشهد آمد و از محضر علمای آن سامان کسب فیض نمود. و خود به تدریس سطوح عالی و خارج پرداخت و مدت زمانی نه چندان طولانی توانست با پرورش شاگردان نامدار، تأثیر انکارناپذیری بر فضای علمی و معنوی حوزه مشهد بگذارد.

(ایشان رسائل، مکاسب، کفایه و خارج اصول را در مدرسه فاضل خان و مدرسه نواب تدریس می‌کرد و به تعبیر مقام معظم رهبری حلقه‌های درس او از لحاظ کم و کیف بی نظیر بود.)<sup>(۱)</sup>

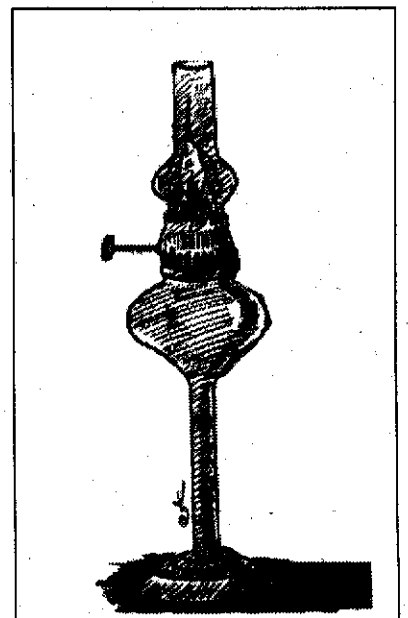
این عالم زاهد، و وسیع اندیش سال‌ها به تدریس و تربیت طلاب پرداخت و با آن مقام علمی، همه ساله ماه رمضان به زادگاه خویش می‌رفت و به تربیت و تعلیم دینی روستائیان می‌پرداخت: «جهانی کمال در کالبدی جمع بود» و هنگام بدرود جهان به جز نام نیک چیزی نگذاشت. (۲)

مرحوم قزوینی نمونه برجسته یک عالم دینی و

مطالعه زندگانی بزرگان و عالمان باعث می‌شود تا انسان برای لحظاتی دامن از خاک برچیند و در عالم پاک و روشنای افلاک، سیر و سفر آغاز کند و با مسایل معنوی و ماورای طبیعی آشنا گردد. انسان‌های فهیم و آگاه در زوایای زندگانی مردان خدا درک خواهند کرد که زندگی دنیوی تنها پوست و استخوان ظاهری و مادی نیست و در ورای این ظواهر، عجایب و شگفتی‌هایی وجود دارد که بسیاری از خداپرستان در زندگی مادی و دنیوی آنها را درک کرده‌اند. و از آنجا که میان ره‌یافتگان وصال معشوق و اماندگان طریق معرفت و شناخت فاصله چندان است که در بیان نمی‌گنجد، کوشیدیم تا آنچه می‌توانیم بر شناخت خود درباره بزرگمردی از حوزه علمیه مشهد بیفزاییم، امید که آشنایی اندکمان در این مجال رهنمون راهمان در شناخت بیشتر مردان میدان علم و عمل باشد و از کردار و گفتارشان چراغی فراراه خود و فراگیرانمان برافروزیم.

تولد و تحصیلات شیخ هاشم؛  
حضرت آیت‌الله شیخ هاشم از بزرگان علما و مدرسین حوزه مشهد در سال ۱۲۷۰ هجری شمسی

نوشتار اشاره‌ای به زندگی، جایگاه علمی و معنوی حاج شیخ هاشم قزوینی از مدرسان بنام حوزه علمیه مشهد دارد.



یک روحانی واقعی بود، وی مردی خردمند، وارسته و متواضع، هوشیار، متعهد، شجاع، روشن بین، و بیزار از عوام فریبی، انحطاط پراکنی و ارتجاع گرای بود.

سعه صدر و سعه مشرب مرحوم قزوینی مورد تأیید تمام شاگردانشان است. این عالم جلیل القدر پس از ۶۹ سال عمر بابرکت در ۲۲ مهر سال ۱۳۳۹ هجری شمسی برابر با ۲۰ ربیع الثانی ۱۳۸۱ هـ. درگذشت. (۳) و جنازه اش در راهرو رواق دارالضیافه حرم رضوی واقع در سمت راست ایوان طلای صحن آزادی که در حال حاضر کفشداری شماره ۷ است به خاک سپرده شد. (۴)

اساتید شیخ هاشم قزوینی:

شیخ هاشم که مقدمات و ادبیات را در شهر خویش آموخته و در محضر اساتید قزوین که در رأس آنان، حاج ملاعلی طارمی و آخوند ملاعلی اکبر، دو فقیه عالیقدر بودند، سطوح عالی فقه و اصول را خواند و در همین شهرستان، فلسفه اشراق و مشاء را نزد استاد عالیقدر، مرحوم حاج سید موسی زرآبادی قزوینی فراگرفت. برای تکمیل آموخته ها و مدارج عالی مبانی استنباط به اصفهان رفته و در آنجا نزد مرحوم کلباسی و فشارکی که هر دو استوانه فقه شیعه به شمار می رفتند، به کسب علم پرداخت و پس از شش سال اقامت به وطن بازگشت.

طی این مدت وصف حوزه علمیه مشهد که در آن دوران سرآمد مجامع علمی ایران به شمار می رفت، طبع دانش پژوه وی را مایل به مهاجرت به این کانون معرفت و دانایی نمود. (۵)

در ۳۰ سالگی به مشهد آمد و از محضر حاج آقا حسین قمی (متوفی ۱۳۶۶ ش) و حاج میرزا محمد آقازاده خراسانی استفاده کرد. آنگاه به مربی بزرگ میرزای اصفهانی رسید و در اخلاق و معارف بهره مند گشت و از دو استاد اخیر، اجازه اجتهاد با تمجیدی درخور نایل آمد. (۶) و این اجازه از طرف زعیم دستگاه روحانیت شیعه، حضرت آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی، تأیید گردید.

شاگردان و تربیت یافتگان مکتب شیخ هاشم قزوینی

مردان خدا و خدا باوران عرصه علم و عمل پیروان صالح و شایسته ای به اجتماع هدیه می کنند و با این وسیله نام و یاد خود را جاودانه تر و افکار و آثار خود را پایدارتر می سازند و یکی از این مردان خدا شیخ هاشم قزوینی است که بزرگان چون: آیت الله واعظ طبسی، آیت الله حاج میرزا مهدی نوقانی، استاد محمد تقی شریعتی، استاد کاظم میرشانه چی، استاد

دستگاه کرد و تأثیر شدیدی ابراز کرد و این جمله یادم هست که فرمود: «وضعیت مملکت ما به جایی رسیده که حالا فرزند پیغمبر را به جرم گفتن حقایق می کشند» هیچ کس دیگر متأسفانه عکس العمل نشان نداد. (۹)

آیت الله قزوینی یکی از هشت مجتهدی بود که پیش از واقعه مسجد گوهرشاد در منزل مرحوم آیت الله سیدیونس اردبیلی طی تصمیم شجاعانه به رضاخان تلگراف زدند و عمل او را نکوهیدند و او را از کشف حجاب منع کردند.

به همین جهت صبح روز یکشنبه ۱۲ ربیع الثانی سال ۱۳۱۴ هـ. ش همراه امضاکنندگان دیگر یعنی، آیت الله سیدیونس اردبیلی، سیدهاشم نجف آبادی، سیدعلی اکبر خونی، مرحوم سید ابوالقاسم خونی، حاج میرزا حبیب الله ملکی، سیدعلی سیستانی، شیخ آقا بزرگ شاهرودی، شیخ علی اکبر آشتیانی، سیدعبدالله شیرازی، بازداشت و پس از هشت روز شب هنگام تحت الحفظ با دست و پای بسته به تهران فرستاده شدند و تا شهریور ۱۳۲۰ اجازه بازگشت به مشهد را نداشتند و پس از سقوط رضاخان با توصیه میرزا مهدی اصفهانی و درخواست عده ای از فضلا ایشان مجدداً به مشهد آمده ابتدا سطوح عالی و بعد خارج اصول و فقه را تدریس نمودند. (۱۰)

بی مهر میزبان:

حجت الاسلام سیدرضا آمینی در شرح احوال شیخ هاشمی قزوینی بیان می کند که: «مرحوم میرزا هاشم از بزرگان نامدار روزگار خویش و از شاگردان مرحوم زرآبادی بود. درباره چگونگی ارتحال او نقل شده است که در پایان عمر نیز پس از سه روز اغماه کامل هنگامی که حجت الاسلام فردوسی پور و حیدری و عده ای دیگر در محضرش حضور داشتند، به ناگاه از جای خود بلند شده و پس از سلام دادن به یکایک ائمه (ع) از دنیا می رود.»

ایشان داستان شنیدنی و زیبا و شگفتی را از قول مرحوم قزوینی نقل کرده اند.

حاج هاشم قزوینی گفته است که: «معمولاً ایامی که برای تبلیغ از مشهد به روستای خود در قزوین می رفتم، وارد خانه یکی از مریدان خویش شده و تمام آن ایام را در منزل وی مسکن می گزیدم.

او نیز ضمن پذیرایی، مقید بود که به هنگام عزیمتم به مسجد در شب چراغی را برای من آماده سازد، آنگاه پیشاپیش من حرکت می کرد، تا صدمه ای بر من وارد نشود. در یکی از سال ها میان من و او در اوایل ماه رمضان مسئله ای پیش آمد که او آن

## □ آیت الله حاج شیخ هاشم قزوینی یکی از هشت نفر مجتهدی بود که پیش از واقعه مسجد گوهرشاد در منزل مرحوم آیت الله سید یونس اردبیلی طی تصمیمی شجاعانه به رضاخان تلگراف زدند و عمل او را نکوهیدند و او را از کشف حجاب منع کردند.

محمدرضا حکیمی، آیت الله صالحی و در رأس همه مقام معظم رهبری آیت الله سیدعلی خامنه ای را در علم و تقوا سرآمد معاصران نمود. (۷)

حضرت آیت الله خامنه ای در سخنرانی ۱۱ تیر ۱۳۶۴ در مراسم دیدار با امام جمعه و جمعی از مسئولین قزوین از مرحوم شیخ هاشمی قزوینی یاد کرده و فرمودند: «ایشان برای ما بسیار محبوب بودند. عالمی بودند بسیار سنگین، متین، خوش بیان و زاهد و بی اعتنا به دنیا و در عین حال بسیار روشنگر. در ماه رمضان هر سال به قلعه هاشم خان قزوین منبر می رفت و از همان زندگی می کرد از هیچ کس وجوهات نمی گرفت. (۸)

زندگی سیاسی شیخ هاشم:

مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای در تمجید از استاد خود گفته اند که: «مرحوم شیخ هاشم قزوینی روی همان آزادی و بزرگی دلی که داشت تنها روحانی مشهد بود که در مقابل شهادت نواب عکس العمل نشان داد و آن عکس العمل در درس بود. سر درس به یک مناسبتی حرف را به نواب صفوی و یارانش برگرداند و انتقاد شدیدی از

احترامات را انجام نداد. در یکی از شب‌ها، وقتی از خانه‌اش به تنهایی بیرون آمدم تا به مسجد بروم، کسی نبود تا چراغی را پیشاپیش من به حرکت درآورد. با این که احتمال خطر می‌دادم ولی چون رفتن به مسجد ضرورت داشت، بدون چراغ به سوی مسجد به راه افتادم، چند قدمی بیشتر نرفته بودم که ناگهان دیدم چند نفر چراغ به دست به من نزدیک شدند و ضمن گرفتن چراغ برای نیفتادنم چنین گفتند:

«آقای حاج شیخ! ترسید! ما از جنیانی هستیم که هر شب به نزد منبرتان حاضر می‌شویم، ما چون می‌دانیم صاحبخانه‌تان با شما بدرفتاری کرده و امشب برایتان چراغ نیاورده، تصمیم گرفتیم از امشب به بعد تا هر زمانی که کسی از انسان‌ها برایتان چراغ نیاورد، ما برایتان چراغ را آماده سازیم!»

شیخ در ادامه می‌گوید: من خیلی ترسیده بودم، به سختی خود را نگه داشتم، آنان از چگونگی وضو پرسیدند، گفتم الان آفتابه ندارم. ناگهان دیدم یکی از آنان با یک شماره آفتابه منزلمان را حاضر ساخت و من نیز به او پاسخ دادم و او پس از آن آفتابه را به درون کاهدانی انداخت. وقتی به مسجد رسیدم، از ترس نزدیک بود روح از بدنم خارج شود. به هر زحمتی بود مجلس آن شب را اداره کردم و بلافاصله به خانه آمدم ولی از شدت ترس همان شب مریض

شدم. ساعتی بعد وقتی همسرم گفت آفتابه ناپدید شده! بدون معطلی گفتم: آفتابه میان کاهدانی است برو آن را بیاور! (۱۱)

به راستی آنگاه که انسانها از درک نعمت عالمان ناتوانند نیروهای غیبی که ارج و مقام مردان خدا را درک می‌کنند و به امداد آنان می‌شتابند و برای اینکه در خدمت آنها باشند اعلام آمادگی می‌نمایند و مرحوم قزوینی از زمره آن مردان الهی بود.

تجربید نفس و... رهایی از بلهکاری

آیت الله خزعلی نقل فرمودند

که: از شیخ هاشم قزوینی شنیدم که پیش کسی رفته و تجربید نفس کرده است، به حضورشان رسیدم تا شرح این موضوع را از خودشان هم بشنوم. وقتی خدمت ایشان رسیدم فرمودند شخصی در مشهد تجربید نفس می‌کرد، از او خواستم روح مرا هم

ناگهان خود را در قزوین دیدم و از جمله چیزی که در آن حال دیدم این بود که:

مردی بدون آن که متوجه من باشد، آمد جلو و آبی را که به زمین مزروعی می‌رفت به سمت دیگری جاری ساخت. آنگاه زارع دیگری آمد و با آن مرد مرافعه کرد و سرانجام به آن شخص حمله ور شد و او را کشت و فرار کرد. در حالی که هیچ کدام متوجه من نبودند.

من در آن حال متوجه شدم که نزدیک طلوع آفتاب است و ممکن است نمازم قضا شود تا به فکر نماز افتادم خودم را در مشهد یافتم. شخصی که روح مرا تجرید کرده بود گفت: آنچه را دیدی یادداشت کن. مدتی از این قضیه گذشت. بعضی از همشهریان از قزوین به مشهد آمدند از آنان پرسیدم فلانی (مقتول) چی شد؟ گفتند: کشته شد. گفتم قاتل او کی بود؟ گفتند هنوز پیدا نشده است. البته که من او را شناختم ولی سکوت کردم. تا این که روزی به قزوین رفتم. مردم به دیدنم می‌آمدند و روزی قاتل هم به دیدنم آمد. وقتی می‌خواست برود به او گفتم: فلانی را چه کسی کشت؟ گفت معلوم نیست. گفتم کی بیل را برداشت و... تا این کلمه را گفتم بدنش به لرزه افتاد و دانست که من از قضیه اطلاع دارم. گفتم ترس، من تو را به دولت تحویل نمی‌دهم بلکه می‌خواهم تو را از بلهکاری رها سازم. دیه قتل را به

ورثه آن مقتول پرداز. گفتم: می‌ترسم! را بگیرند. گفتم لازم نیست که مبلغ را به عنوان دیه قتل پردازی تا تو را بگیرند بلکه می‌توانی به عنوان بلهکاری پردازی. (۱۲)

مؤلف کتاب، این مطلب را از استاد بزرگوار جناب آیت الله اراکی شنیده که ایشان از قول حاج شیخ حسنعلی مروارید و ایشان از شیخ هاشم قزوینی نقل کرده‌اند. در جلد پنجم کتاب «مردان علم در میدان عمل» به نقل از کتاب «معاد و جهان پس از مرگ» از آقای مکارم

شیرازی نیز این مطلب ذکر شده است.

نامه نوشتن برای تو حرام است

آیت الله وحید خراسانی از استاد خود مرحوم شیخ هاشم قزوینی می‌فرمود: روزگاری را در اصفهان به سر می‌بردم. زنی را به ازدواج موقت به

### □ حاج شیخ هاشم قزوینی،

نمونه‌ای برجسته از یک عالم دینی

بود. وی مردی خردمند، وارسته،

متواضع، هوشیار، متعهد، شجاع،

روشن بین و بیزار از عوام فریبی

بود. این عالم جلیل القدر پس از

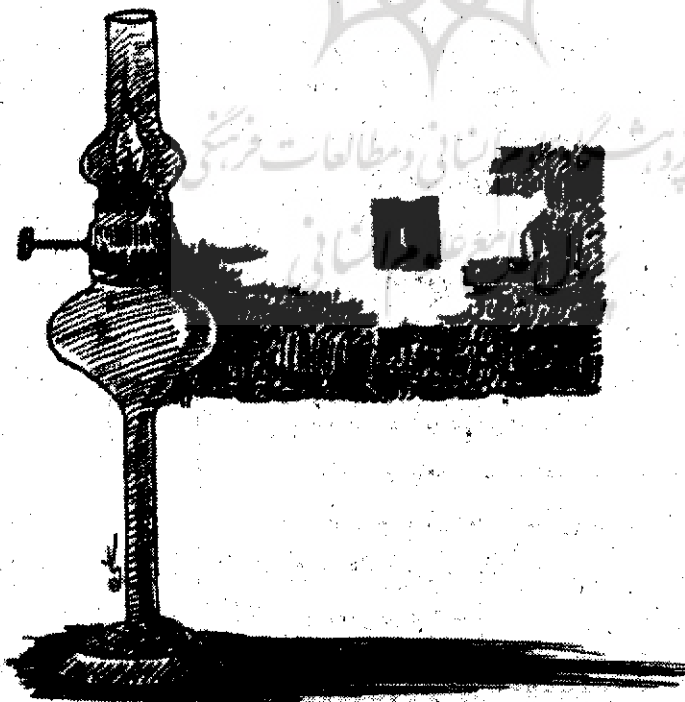
۶۹ سال زندگی روحانی در

۲۲ مهر ماه سال ۱۳۳۹ هـ.ش برابر

با ۲۰ ربیع الثانی سال ۱۳۸۱

ه.ق درگذشت و در حرم رضوی

دفن شد.



تجربید کند. او گفت: «شب جمعه نزدیک سحر وقت این کار است» گفتم مانعی ندارد. در وقت موعود خدمت او رسیدم، گفت کجا می‌خواهی بروی؟ گفتم: قزوین. در همان موقع روح مرا تجربید کرد

همسری خود برگزیدم و خداوند از آن زن فرزندی به من عطا کرد.

روزی در حیاط خانه با آن کودک که تقریباً یک سال و چهار ماه سن داشت، آرام آرام قدم می‌زدم. ناگهان کودک خیره خیره به من نگاه کرد و در کمال فصاحت گفت: پدر! مرا چه کسی خلق کرده است؟ من که حیران شدم با دستپاچگی گفتم: تو را من آفریدم! او گفت: شما را چه کسی آفریده؟ گفتم: پدرم! مرا آفریده. او باز پرسید: پدر! این درختان را چه کسی آفریده است؟ گفتم: این درختان را باغبان آفریده است. او گفت: نه پدر درست نگفتی! مرا، شما را، پدرتان را و این باغ و بوستان را خداوند آفریده است. و دیگر چیزی نگفت.

ساعتی بعد ناگهان حال جسمی بچه دگرگون شد و علی رغم تلاش هایمان از دنیا رفت. رفتار آن کودک، بزرگترین درس زندگی را به من آموخت که خداوند آفریننده تمام حقایق است! (۱۲)

امر به معروف و نهی از منکر شیخ هاشم قزوینی مقام معظم رهبری ماجرای شنیدنی و آموزنده از استادشان نقل می‌کنند. ایشان یک وقتی به طلبه‌ها نصیحت می‌کرد، و می‌گفت من داشتم در خیابان می‌آمدم، کسی به من گفت: آقا شیخ به این طلبه‌ها بگویند که نماز صبحشان را اینقدر دیر نخوانند. به او گفتم: مؤمن خدا اجازه داده است تو اجازه نمی‌دهی؟ خدا گفته که تا اول آفتاب نمازتان را می‌توانید بخوانید تو اجازه نمی‌دهی؟ طلبه است، جوان است، تا دیر وقت مطالعه کرده حالا دیر بلند می‌شود، بعد رو به طلبه‌ها کرده فرمود: بدانید بد است نمازتان را نزدیک طلوع آفتاب بخوانید. بعد شروع کردند توضیح دادن و گفتند: که گاهی برای خدا یک عملی را جلو مردم نشان دهید، یعنی اعمال است که این‌ها سمعه و ریایش مطلوب است مثل شعائر دینی... (۱۴)

حاصل سخن آن که شیخ هاشم قزوینی نیک مردی از سلاله پاکان بود که در زندگانی پای از مسیر هدایت و ارشاد بیرون نهاد و با تربیت پاکان و صالحانی در حوزه و منبر و عظم برای خویش صالحاتی به جا نهاد. او با شرکت در عرصه‌های مختلف اجتماعی از جمله ماجرای قیام گوهرشاد... و ثابت کرد که دین و سیاست دو چیز توأم هستند و عالمان دینی باید نیک مردانی در عرصه سیاست باشند تا با ارشاد و روشنگری دیگران را به طریق درست رهنمون شوند.

### منابع

- ۱- گزیده مشاهیر مدفون در حرم رضوی، عالمان دینی، زنگنه قاسم آبادی، ابراهیم، ص ۷۱.
- ۲- ستاره‌های زمین، فاطمه صالح مدرسه‌ای، ص ۱۹۱.
- ۳- فرزندان علم و سخن قزوین، رضا صمدیها، ص ۳۱۳.
- ۴- پیشین، گزیده... ص ۷۲.
- ۵- فرزندان علم و سخن قزوین، همان، ص ۳۱۳.
- ۶- پیشین، ستاره... ص ۱۹۱.
- ۷- پیشین، گزیده... ص ۷۱.
- ۸- مردان علم در میدان عمل، نعمت‌الله حسینی، جلد ۸.
- ۹- جرعه نوش کوثر، زندگینامه مقام معظم رهبری، ص ۴۷.
- ۱۰- پیشین، مردان... همان.
- ۱۱- معرفت‌یافتگان (مجموعه شمیم عرش، دفتر اول، پژوهشکده تزکیه اخلاقی امام علی (ع)، صص ۲۴۷-۲۴۹.
- ۱۲- روزه‌هایی از عالم غیب، آیت‌الله سیلهمحسن خرازی، صص ۲۲۵-۲۲۴.
- ۱۳- پیشین، معرفت... ص ۴۷.
- ۱۴- پیشین، مردان... جلد هشتم.

### منابع

- ۱- پژوهشکده تزکیه اخلاقی امام علی (ع)، معرفت‌یافتگان (شمیم عرش)، ستاد مرکزی حزب الله ایران، دفتر نشر کریمه، چاپ اول، قم ۱۳۷۸.
- ۲- حسینی، نعمت‌الله، مردان علم در میدان عمل، جلد ۵ و ۸.
- ۳- خرازی، آیت‌الله سیلهمحسن، روزه‌هایی از عالم غیب، انتشارات مسجد مقدس جمکران، چاپ اول، قم ۱۳۸۳.
- ۴- جلالی، غلامرضا، گزیده مشاهیر مدفون در حرم رضوی، جلد اول، عالمان دینی، مؤسسه چاپ آستان قدس رضوی، چاپ اول، مشهد ۱۳۸۱.
- ۵- صلاح مدرسه‌ای، فاطمه، ستاره‌های زمین (زندگینامه علما و دانشمندان)، انتشارات پیام آزادی،